

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه تخصصی فقه و علوم وابسته
سال سوم، شماره ششم (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)
سال چهارم، شماره هفتم (بهار و تابستان ۱۳۹۶)



صاحب امتیاز: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام
مدیر مسئول: آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی
سر دبیر: دکتر حمید ستوده



شورای مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا):

سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم) / حمید ستوده (استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی ایران) / محمدجعفر طبعی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم) / سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی) / ابوالقاسم علیدوست (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمد قاضی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمدعلی قاسمی (استاد حوزه علمیه قم و مدرس جامعه المصطفی العالمیه) / محمدمهدی مقدادی (دانشیار دانشگاه مفید قم) / سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه و استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)



دبیر اجرایی: محسن شیرخانی
ویراستار فنی: رضا پورصدقی
همکاران مترجم در این شماره: حبیب ساعدی (عربی) - سید محمد سلطانی (انگلیسی)
نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد
تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵ - دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵
قیمت: ۴۵۰۰۰۰ ریال



The Application of Jurisprudential Rules in Providing and Guaranteeing the Economic Dimension of Human Security

Seyed Javad Hoseinikhah

Abstract

Human security- especially its economic dimension- is noted as a main component of essential human rights and development in every society. With an analytical deductive method, this article tries to extract the application of jurisprudential rules and to categorize them concerning the provision and the guarantee of the economic dimension of human security. After a brief explanation of the subject of discussion in security studies, “investment security” and “job and income security” as two main norms and dimensions of economic security have been examined. The results of this study show that some jurisprudential rules support these norms while recognizing the economic security of individuals and emphasizing on it. Some other jurisprudential rules avoid encroaching on people's economic rights and provide investment and job security. It can also be observed that some jurisprudential rules limit the economic freedom of individuals to insure the stability of the economic system of the society.

Keywords: Human Security, Economic Security, Investment Security, Job and Income Security, Jurisprudential Rules.



تطبيق قواعد الفقه في توفير و ضمان البعد الاقتصادي للأمن البشري

السيد جواد حسيني خواه

الخلاصة: يمثل الأمن البشري، وخاصة في بعده الاقتصادي، عنصراً أساسياً في جميع حقوق الإنسان والتنمية في جميع المجتمعات. تسعى هذه المقالة، باستخدام طريقة البحث التحليلية والاستنباطية والاستنتاجية، إلى استنباط واستنتاج تطبيق وتصنيف القواعد الفقهية المتعلقة بتوفير و ضمان البعد الاقتصادي للأمن البشري. وتحقيقاً لهذه الغاية فبعد شرح اجمالي لمحل البحث في الدراسات الأمنية، تم دراسة معيارين ومكونين أساسيين باعتبارهما الأبعاد الرئيسية للأمن الاقتصادي تحت عنوان (أمن الاستثمار) و (تأمين العمالة والدخل) وقد توصلنا إلى نتيجة مفادها أن بعض القواعد الفقهية مع الاعتراف بالأمن الاقتصادي للأفراد والتأكيد عليه، كانت هي الداعمة لهذه المعايير؛ وهناك مجموعة أخرى من القواعد الفقهية تمنع من التطاول على الحقوق الاقتصادية للأفراد في مجال الاستثمار والتوظيف وهي تنتج الامن. بالرغم من ان هناك قواعد من بين القواعد الفقهية، تقيد الحرية الاقتصادية وتهتم بثبات النظام الاقتصادي واستحكامه في المجتمع الإسلامي.

الكلمات الرئيسية: الأمن البشري، الأمن الاقتصادي، أمن الاستثمار، وأمن العمل و الدخل، القواعد الفقهية.

٢٣٢

فكر و اجتهاد / سال سوم، شماره ششم و سال چهارم، شماره هفتم



کاربست قواعد فقه

در تأمین و تضمین بُعد اقتصادی امنیت انسانی

سیدجواد حسینی خواه*

چکیده

امنیت انسانی و به ویژه بُعد اقتصادی آن، در همه جوامع به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی حقوق بنیادین بشر و توسعه‌یافتگی مورد توجه است. نوشتار حاضر، با روش تحلیلی و تحقیق استنباطی - استنتاجی، درصدد استخراج و استنتاج کاربرست و دسته‌بندی قواعد فقهی در باب تأمین و تضمین بُعد اقتصادی امنیت انسانی است. بدین منظور، پس از تبیین اجمالی محل بحث در مطالعات امنیتی، دو هنجار و مؤلفه اساسی در امنیت اقتصادی با عناوین «امنیت سرمایه‌گذاری» و «امنیت اشتغال و درآمد» مورد بررسی قرار گرفته و به این نتیجه رسیده‌ایم که پاره‌ای از قواعد فقهی ضمن به رسمیت شناختن و تأکید امنیت اقتصادی افراد، پشتیبان این هنجارها می‌باشد؛ دسته‌ای دیگر از قواعد فقهی جلوی دست‌درازی به حقوق اقتصادی افراد در ساحت سرمایه‌گذاری و اشتغال را گرفته و تولید امنیت می‌کند؛ هرچند در بین قواعد فقهی، برخی قاعده‌ها در مقام محدودکننده آزادی اقتصادی انسان، ثبات و پایداری نظام اقتصادی جامعه اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهد.

کلیدواژگان: امنیت انسانی؛ امنیت اقتصادی؛ امنیت سرمایه‌گذاری؛ امنیت اشتغال و درآمد؛ قواعد فقهی.

* استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و دکترای فقه روابط بین‌الملل.

مقدمه

در رویکرد جدید به مسئله توسعه جوامع بشری، با قرار گرفتن فرد انسانی در مرکز دغدغه‌های امنیتی، مرجع امنیت به جای دولت‌ها، فرد انسانی است و مقوله‌ای با عنوان «امنیت انسانی» مطرح می‌شود که بر طبق گزارش توسعه انسانی و برنامه عمران ملل متحد، امنیت افراد بایستی در هفت حوزه فردی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، غذایی، زیست‌محیطی و بهداشتی تأمین شود (UNDP, 1993). نظام بین‌المللی حقوق بشر با بسط و توسعه مفهوم امنیت و توجه زیاد به امنیت انسانی، ضمن قرار دادن امنیت به عنوان مبنای دیگر حقوق و آزادی‌های مصرح در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری، «حق امنیت» را از حقوق بنیادین بشری دانسته که برای افراد و دولت‌ها ایجاد تکلیف می‌کند. در این میان، امنیت اقتصادی از مهم‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های امنیت انسانی است که در زمره حقوق نسل دوم بشر جای می‌گیرد.

در پارادایم امنیت انسانی، «امنیت اقتصادی به معنای آن است که افراد جامعه برای پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی خود در زمینه اشتغال، معیشت، مسکن، پوشاک و... درآمد اقتصادی مطلوبی داشته باشند». به دیگر سخن، امنیت اقتصادی عبارت است از آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در اجرایی نشدن تعهدات و مطالبات و در عین حال حصول اطمینان از برخورداری ثمره فعالیت‌هایی که در زمینه تولید ثروت و توزیع و مصرف آن صورت می‌گیرد (برومند و همکاران، ۱۳۸۷ش، ص ۲۵). بر مبنای این تعریف، ابعاد و عناصر امنیت اقتصادی عبارتند از: «امنیت سرمایه‌گذاری» و «امنیت اشتغال و درآمد».

در فقه شیعه نیز از دید مصالح خمس، «حفظ مال» را می‌توان مرجع امنیت اقتصادی دانست که فقهای شیعه عوامل تأمین و تضمین آن را در کتاب‌های خود آورده‌اند؛ به عنوان نمونه، شهید اول نگاشته است: «و حفظ المال بتحريم الغصب، والسرقه، والخيانة، وقطع الطريق والحدّ والتعزير علیها»^۱ (شهید اول، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸).

۱. محافظت از مال به وسیله تحريم غصب، سرقت، خیانت و راهزنی و اثبات و اجرای حدّ و تعزیر بر مرتکبان صورت می‌پذیرد.

در این میان، قواعد فقهی به جهت جایگاهی که در فهم حکم مسائل فقهی، به ویژه مسائل جدید و نوپدید دارند، اهمیتی مضاعف دارد؛ به گونه‌ای که با تطبیق قاعده بر موضوع می‌توان به حکم فقهی مسئله دست یافت. بر این اساس، تمرکز این پژوهش دستیابی به این پرسش است که قواعد فقهی مطرح در نظام فکری امامیه چگونه به تأمین و تضمین بُعد اقتصادی امنیت انسان‌ها می‌انجامد؟ فرضیه این پژوهش بر این است که پاره‌ای از قواعد فقهی امنیت اقتصادی افراد را به رسمیت شناخته و دسته‌ای دیگر از قواعد فقهی، جلوی دست‌درازی به حقوق اقتصادی افراد در ساحت سرمایه‌گذاری و اشتغال را گرفته و تولید امنیت می‌کند. هرچند در بین قواعد فقهی، برخی قاعده‌ها در مقام محدودکننده آزادی اقتصادی انسان، ثبات و پایداری نظام اقتصادی جامعه اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهد. اهمیت این پژوهش آن است که در مقام نظریه‌پردازی، سیاست‌گذاری‌های کلان یک نظام و مکتب را سازمان می‌بخشد و آنچه در نظام فکری اسلامی در خصوص مسائل اقتصادی در سطح فردی مورد بیشترین توجه و اهمیت قرار گرفته، معلوم می‌گردد؛ همچنین توجه به تفکیک و برشمردن هنجارهای اساسی بُعد اقتصادی امنیت انسانی، در مطالعات فقهی آشکارا به چشم نمی‌خورد و تبیینی نوین قلمداد می‌شود.

۱. مفهوم شناسی

امنیت در زبان فارسی به «ایمن شدن»، «در امن بودن» و «بی‌بیمی» تعریف شده است (معین، ۱۳۷۵، ص ۳۵۴). معادل این واژه در زبان عربی «الأمن» و «الأمان» است که از ریشه ثلاثی مجرد «أ م ن» گرفته شده و معانی متعددی برای آن بیان گردیده است؛ از جمله اطمینان، حمایت، ضمانت و محافظت، اطمینان نفس و زوال خوف (احمدبن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۳؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ص ۲۱). بر خلاف معنای لغوی، معنای اصطلاحی این واژه، دارای تعاریف بسیار متفاوت و گاه متعارضی است که برای مقابله با سردرگمی ناشی از این تکثر، برخی محققان در یافتن وجوه مشترک میان این تعاریف‌ها کوشیده‌اند (ر.ک: عزیزی، خراشادی‌زاده و هندبانی،

۱۳۹۱، ص ۶۳) و برخی دیگر در دسته‌بندی و طیف‌بندی آن‌ها تلاش کرده‌اند (افتخاری، ۱۳۷۹، ص ۳۰)؛ با این وجود، همان‌گونه که جان بیلینس بیان داشته، نوعی اتفاق نظر ضمنی وجود دارد که امنیت به معنای رهایی از تهدیدات در قبال ارزش‌های بنیادین است (بیلینس، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۵۷۰).

مفهوم امنیت انسانی نیز برآمده از جمع ایده‌ها در دو زمینه مطالعات امنیتی و توسعه بین‌المللی است و در پی آن است که با قراردادن فرد انسانی در مرکز دغدغه‌های امنیتی، در نحوه تأمین امنیت تغییراتی ایجاد نماید. از نظر محبوب الحق «امنیت انسانی نه درباره دولت‌ها و ملت‌ها، بلکه درباره افراد و مردم است. از این رو، وی استدلال می‌کند که جهان وارد عصر جدید امنیت انسانی شده که در آن مفهوم امنیت تغییر یافته است. در این مفهوم جدید، امنیت برابر است با امنیت افراد نه امنیت ملت‌ها و امنیت مردم است، نه امنیت سرزمین‌شان. (Bajpai, 2003, P.219).

از این رو، در گزارش‌های برنامه توسعه سازمان ملل متحد تلاش شد تا با شمارش معیارهای مشخص، مفهومی شفاف و عینی از این اصطلاح ارائه گردد و ضمن انتقاد مجدد از پیشینه استفاده انحصاری از این واژه در امور نظامی، به هفت مؤلفه‌ای که از این اصطلاح استنباط می‌شود، اشاره گردید؛ یعنی امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت بهداشتی، امنیت زیست‌محیطی، امنیت شخصی، امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی. (UNDP, 1994 & 1999)

مفهوم «امنیت اقتصادی» که هم‌اینک یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی محسوب می‌شود، از دیدگاه ماندل عبارت است از «میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی» (ماندل، ۱۳۷۷: ۱۰۷).

بوزان نیز در تعریف امنیت اقتصادی گفته است: «امنیت اقتصادی عبارت است از نظم بین عوامل اساسی تهیه نیازهای معیشتی انسان، یعنی منابع اولیه تولید، توزیع، کار و درآمد اعضای جامعه، به طوری که نیازهای ضروری آن‌ها تأمین شود و آن‌ها از نبود یا حتی احتمال نبود این ضروریات احساس خطر نکنند و آرامش و آسایش آن‌ها سلب نشود» (بوزان، ۱۳۸۷، ص ۲۶۶).

هم‌چنین کمیته بین‌المللی صلیب سرخ^۱ امنیت اقتصادی را «توانایی افراد، خانوارها و جوامع در پوشش دادن نیازهای ضروری‌شان به شکلی پایدار و عزتمندانه» تعریف می‌کند (ICRC, 2018).^۲

در مقام جمع‌بندی تعاریف، با توجه به غایت مدنظر امنیت انسانی، می‌توان امنیت اقتصادی را «داشتن یک حداقل درآمدی تضمین شده» معنا کرد (تیگروم، ۱۳۸۹، ص ۴۰). به دیگر سخن، امنیت اقتصادی عبارت است از آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در بلا اجرا ماندن تعهدات و مطالبات و در عین حال، حصول اطمینان از برخورداری از ثمره فعالیت‌هایی که در زمینه تولید ثروت، توزیع و مصرف آن صورت می‌گیرد.

۲. ابعاد و عناصر امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی دارای دو بُعد است:

۲-۱. امنیت سرمایه‌گذاری

امنیت سرمایه‌گذاری چارچوب نهادینه‌ای از شرایط اجتماعی، سیاسی و حقوقی است که اعتماد پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران را جلب کرده و امنیت جانی افراد و امنیت حقوقی معاملات را تضمین می‌کند. هرگاه شاخص‌های امنیت سرمایه‌گذاری در جامعه‌ای وضعیت مطلوبی را نشان دهد، این چارچوب نهادینه موجب رشد اقتصاد خواهد شد. این شاخص‌های کلی عبارتند از:

«۱. برقراری ثبات سیاسی در پرتو ثبات دولت و عملکرد اقتصاد (ثبات سیاسی و سیاست‌گذاری صحیح اقتصادی)؛

۲. مشارکت مردمی در پرتو آزادی‌های مدنی، حقوقی و سیاسی؛

۳. نظام حقوقی سالم در پرتو حاکمیت قانون و کاهش خطر ابطال قراردادها توسط دولت؛

1. International Committee of the Red Cross (ICRC).

2. <https://www.icrc.org/en/what-we-do/ensuring-economic-security>; Available at: 2018/12/06.

"The ICRC defines economic security as the ability of individuals, households or communities to cover their essential needs sustainably and with dignity."

۴. نظام اداری سالم در پرتو کاهش میزان فساد مالی؛

۵. کاهش میزان خشونت سیاسی در پرتو کاهش تنش‌های قومی، خطر جنگ‌ها و منازعات داخلی و میزان تروریسم سیاسی» (جهانیان، ۱۳۸۱، ص ۱۴ و ۱۵).
این نوع از امنیت، در سطح بنگاه‌های اقتصادی حقیقی و حقوقی تعریف می‌شود و به نوعی، به امنیت جامعه بیشتر مرتبط است تا امنیت فردی؛ بنابراین، به همین توضیح بسنده می‌شود؛ اما باید دانست که منظور از سرمایه‌گذاری، فقط ایجاد ظرفیت جدید نیست؛ چرا که امروزه، وقتی از اشتغال‌زایی بحث می‌شود، فکر ایجاد ظرفیت جدید تولید نیز به تبعیت آن مطرح است.

۲-۲. امنیت اشتغال و درآمد

امنیت اشتغال و درآمد، به معنای طرد هرگونه فشار خارج از کنترل افراد یک جامعه در مسیر اشتغال و کسب درآمد برای دستیابی به سطح متوسط رفاه اقتصادی آن جامعه است (مؤمنی و جهانیان، ۱۳۸۰، ص ۱۳). طبیعی است امنیت اشتغال و درآمد در امتداد یا همراه با امنیت سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر خواهد بود؛ بنابراین، شاخص‌های پنج‌گانه برای امنیت سرمایه‌گذاری باید در این سطح از امنیت نیز ملاک باشد.

امنیت اقتصادی در سطح فردی با توجه به پیوند زندگی انسانی‌ها با کار، ارتباطی عمیق با مفهوم جامع کار دارد. بر این اساس، «برنامه اجتماعی - اقتصادی دفتر جهانی کار»^۱ هفت شکل امنیت را که به شغل و کار مربوط می‌شود مشخص کرده است تا دولت‌ها، کارفرمایان، اتحادیه‌ها و دیگران، آن را مدنظر قرار دهند و پیگیری نمایند (سیف، ۱۳۸۹، ص ۱۷). این ابعاد عبارت است از:

۱. امنیت بازار کار: این نوع از امنیت زمانی حاصل می‌شود که فرصت‌های مناسب برای اشتغال و درآمدزایی کافی وجود داشته باشد.

۲. امنیت اشتغال (تضمین شغلی): این امنیت به معنای حفاظت در برابر اخراج از کار و به دیگر سخن، از دست دادن کار درآمدزا است.

1 . ILO Socio-Economic Security Programme.

۳. امنیت شغل: این شکل از امنیت، وجود طبقه‌بندی مشاغل برای جلوگیری از جابه‌جایی مشاغل را مورد توجه قرار می‌دهد.
۴. امنیت کار (امنیت شرایط کار): در این شکل، چتر حمایتی بر سر کارگران در مقابل حوادث ناشی از کار، خطرهای شغلی، بیماری‌ها و صدمات که بخش جدانشدنی کار هستند، گسترانده می‌شود.
۵. امنیت مهارت شغلی: به دسترسی کارگران و بهره‌مندی آنان از آموزش حرفه‌ای و نیز آموزش‌های پایه برای به‌روز نگه‌داشتن مهارت‌ها، توسعه ظرفیت‌ها و دست یافتن به شرایط مورد نیاز مشاغل با ارزش اجتماعی و اقتصادی، امنیت مهارت شغلی اطلاق می‌شود.
۶. امنیت درآمدی: به معنای حمایت از درآمدها از طریق قانون حداقل دستمزدها و نشان‌دهنده درآمد واقعی و مورد انتظاری است که یا به صورت نقد به افراد پرداخته می‌شود و یا به اشکال مختلف دیگر.
۷. امنیت نمایندگی: این شکل از امنیت برای واحدهای مستقل تجاری است که اتحادیه‌های صنفی مستقل، شکل معمول اعطای امنیت نمایندگی را مجسم می‌سازند.^۱

۲-۳. وجوه امنیت اقتصادی انسان

امنیت انسانی در بُعد اقتصادی و به تعبیر دیگر، امنیت اقتصادی انسان‌ها در سطح فردی، در دو جنبه سلبی و ایجابی قابل بررسی و تدقیق است. جنبه سلبی امنیت اقتصادی در سطح فردی، مصونیت افراد از تجاوز و دست‌اندازی به حقوق اقتصادی مشروع افراد انسانی است؛ جنبه ایجابی‌اش نیز عبارت است از ایجاد بسترهای لازم به منظور فراهم‌سازی و تحقق آزادانه اهداف یا خواسته‌های اقتصادی تک‌تک افراد.

1. Definitions: What we mean when we say "economic security"; Available at: <https://www.ilo.org/public/english/protection/ses/download/docs/definition.pdf>, [accessed 11 December 2018].

۳. کاربرست قواعد فقهی در تأمین و تضمین امنیت اقتصادی افراد

ادّعی تحقیق حاضر این است که با روش و شیوه مطالعات فقهی و اصولی می‌توان به این دو جنبه از بُعد اقتصادی امنیت انسانی پرداخت و در میان مجموعه قواعد فقه، قواعدی را یافت که در بردارنده وجوه سلبی و ایجابی امنیت اقتصادی افراد هستند. این قواعد در سه گروه مورد مطالعه قرار می‌گیرند. دسته اول، قواعدی که از تجاوز و دست‌اندازی به امنیت اقتصادی افراد منع می‌کند؛ گروه دوم، قواعدی هستند که امنیت اقتصادی افراد را تأکید و تضمین می‌کند و بالاخره، دسته سوم، قواعدی است که به نوعی گستره آزادی اقتصادی افراد را محدود می‌کند.

۳-۱. قواعد مانع از دست‌درازی به حقوق اقتصادی افراد

قاعده‌های فقهی جای‌گرفته در این دسته که به وجه سلبی امنیت انسانی در بُعد اقتصادی‌اش می‌پردازند، در دو گروه دسته‌بندی می‌شوند. گروه اول، قواعدی هستند که حرمت و ممنوعیت مطلق دست‌اندازی به حقوق اقتصادی افراد را بیان می‌کنند و دسته دوم، گروهی هستند که جبران خسارت را در جایی که حقوق اقتصادی افراد از بین برود، واجب می‌کنند.

۳-۱-۱. قاعده‌های فقهی دال بر ممنوعیت تعرض به اموال دیگران

الف) قاعده لا ضرر: در باب مفهوم این قاعده اختلاف نظر فراوانی وجود دارد؛ اما به طور خلاصه می‌توان گفت مفاد این قاعده، عدم مشروعیت ضرر در اسلام است؛ به این معنا که علاوه بر عدم وضع حکم ضرری در اسلام، در مقام عمل نیز هیچ کس نباید به دیگری ضرری وارد کند (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۵۰).

برخی فقیهان درباره این قاعده معتقدند: «قاعده لا ضرر تنها حق‌الناس را شامل است و محدوده سلطنت مالکان و صاحبان حقوق را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کند؛ به این معنا که سلطنت و سیطره مالک محدود به مقداری است که دیگر مالکان یا صاحبان حقوق متضرر نشوند» (شیرازی، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۳۰۱). از این رو، می‌توان گفت: «این قاعده تنها با قاعده تسلیط تعارض پیدا می‌کند و در برخی موارد دایره آن را محدودتر می‌کند». (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۳)

به عنوان نتیجه می‌توان بیان داشت: «قاعده لاضرر» از عمومات دال بر حفاظت و پاسداری امنیت اقتصادی افراد از تعرض دیگران است.

ب) قاعده احترام مال و کار مسلمان: یکی از قواعد عمومی و پرکاربرد در اقتصاد اسلامی، قاعده احترام است؛ این قاعده دلالت می‌کند بر این که مال مسلمان و نیز برآیند و حاصل کارش باید از تصرف مجانی و دست‌درازی دیگران محفوظ و در امان باشد (محقق داماد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۱۳؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۸۲؛ مصطفوی، ۱۴۲۱، ص ۲۴؛ شریعتی، ۱۳۹۴، ص ۳۷۶ - ۳۷۸).

مبنای قاعده احترام علاوه بر «سیره متشرعه و اجماع فقها» (مصطفوی، همان، ص ۲۵)، حدیثی از پیامبر اعظم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که می‌فرماید: «حرمت مال مسلمان همانند حرمت خون او است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶۰؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۷۰). مستفاد از این روایت آن است که «امنیت مالی و اقتصادی مسلمان» در درجه دوم اهمیت و بعد از «امنیت جانی» او است. برخی از فقها بر این باورند که احترام مال مسلمان از دو جهت است؛ یکی از این نظر که متعلق مال، فرد دارای احترام است و دیگر آن که خود مال، احترام دارد و لذا، نباید هدر رود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۶، ص ۱۷۳). در این رابطه، سید یزدی رَحِمَهُ اللهُ در مسئله دعوی بین هبه یا بیع بودن، بیان داشته‌اند که مقتضای قاعده احترام این است که کسی که قائل به هبه بودن است، مدعی محسوب می‌شود (۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۶ و ۱۷۳). سید احمد خوانساری رَحِمَهُ اللهُ نیز نوشته است: با توجه به جائز بودن عقد مضاربه، در صورت بر هم خوردن عقد، عامل بر اساس قاعده احترام، مستحق اجرة‌المثل عملش می‌باشد (۱۴۰۵، ج ۳، ص ۴۰۷). اما عده‌ای دیگر از صاحب‌نظران، احترام آن را فقط از جهت اول و مسلمان بودن صاحب مال دانسته‌اند.

توجه در استنادات فقها به این قاعده (نجفی، همان؛ خوانساری، همان؛ موسوی خوئی، ۱۴۱۱، ص ۱۴۷)، نشان می‌دهد این قاعده از ادله عقلی - مستقلات عقلی - است که امضای شارع مقدس بر آن قرار گرفته و بسیاری از روابط و وابستگی‌های اقتصادی و اجتماعی بر اساس این قاعده استوار گشته، تا جایی که می‌توان ادعا کرد بدون وجود این قاعده، بسیاری از قواعد فقهی بدون دلیل می‌ماند.

نکته آخر این که قاعده احترام که ایجادکننده نوعی امنیت مالی در جامعه است، در واقع، مکمل قاعده سلطنت بوده و در راستای حفظ اموال و امنیت اقتصادی انسان‌ها وضع شده است و با اجرا و عمل به آن، سطح امنیت اقتصادی در جامعه افزایش خواهد یافت.

ج) قاعده ید: از قواعد مشهور فقهی است که در بیشترین مسائل مورد استناد قرار گرفته و «محور بسیاری از معاملات روزمره است» (محقق داماد، همان، ج ۱، ص ۲۵). استفاد از این قاعده آن است که «تصرف مالکانه فرد در یک مال با شرایطی، نشانه مالکیت متصرف نسبت به آن است؛ مگر آن که خلافش ثابت شود» (هاشمی شاهرودی و دیگران، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۵۰۳). آن مقداری که از این قاعده در مسئله امنیت اقتصادی محل بحث و دقت نظر قرار می‌گیرد، این است که بر اساس «قاعده ید» اصل بر مالک بودن کسی است که مالی را در دست دارد و بنابراین، در دست‌دارنده از اثبات مالکیت اموال تحت سیطره‌اش، بی‌نیاز است. اهمیت این قاعده در تأمین و تضمین امنیت اقتصادی افراد تا آنجا است که در روایتی که به عنوان مبنا و مستند آن ذکر شده، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر چنین قاعده‌ای وجود نداشته باشد بازار مسلمانان پابرجا نمی‌ماند و نظام اقتصادی و بازرگانی جامعه مختل می‌گردد» (کلینی، همان، ج ۷، ص ۳۸۷؛ شیخ صدوق، همان، ج ۳، ص ۵۱؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۶۲).

۲-۱-۳. قواعد دال بر وجوب جبران خسارت

در نگرگاه مطالعات امنیتی، قاعده فقهی ناظر بر ضمان، آن دسته قواعدی است که به انگیزه محافظت و نگهداری حقوق مشروع اقتصادی افراد از تجاوز و دست‌برد دیگران تأسیس یافته‌اند.

در یک تقسیم کلی می‌توان گفت: «ضمان» بر دو گونه است: «ضمان عقدی یا قراردادی»^۱ که به آن «مسئولیت قراردادی» می‌گویند و «ضمان قهری» که نام

۱. منظور از ضمان عقدی، مسئولیتی است که در نتیجه اجرا نکردن تعهدی که از عقد ناشی شده به وجود می‌آید؛ به این معنا که کسی که به عهد خود وفا نمی‌کند و بدین وسیله باعث اضرار هم‌پیمانانش می‌شود باید از عهده خسارتی که به بار آورده، برآید (کاتوزیان، ۱۳۹۷ش، ج ۱، ص ۷۴).

دیگرش «مسئولیت مدنی» است.^۱ این دو دسته مسئولیت در ابواب گوناگون فقه به صورت پراکنده قابل مشاهده است که ذیلاً به مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) قاعده ضمان ید: به عقیده فقها، مقتضای اولیه تصرف و یا سلطنت بر مال دیگری این است که تصرف‌کننده در مقابل مالک، ضامن است؛ یعنی علاوه بر آن که متعهد به بازگرداندن عین مال در صورت موجود بودنش است، اگر مال تلف شده و یا نقصانی بدان وارد گردد، باید از عهده خسارت برآید (محقق داماد، همان، ج ۱، ص ۶۱). بنابراین، بر طبق قاعده ضمان، اگر کسی مالی را از دیگری بدون اجازه و به صورت عدوانی بگیرد، ضمانت اولی آن مال بر عهده‌اش است (جعفری، ۱۴۱۹ق، ص ۸۳؛ ایروانی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۱۳۵).

ب) قاعده اتلاف: از قواعد مشهور و یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی در ساحت «ضمان قهری» قاعده اتلاف است (رحمانی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۴۵). این قاعده نیز همانند قاعده قبل دلالت دارد بر این‌که هر کس مال شخص دیگری را بدون اجازه‌اش تلف یا مصرف کند، در مقابل صاحبش ضامن آن مال خواهد بود (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹ش، ج ۱، ص ۳).

نکته‌ای درباره این قاعده می‌توان بیان داشت، آن‌که قاعده اتلاف را می‌توان به نوعی ضمانت اجرای «قاعده احترام» و «قاعده لاضرر» دانست؛ بدین معنا که هر فردی حرمت مال دیگری را نگاه ندارد به صورتی که به تلف آن مال منجر شود، متعهد به جبران خسارت وارده است. اتلاف می‌تواند مستقیم و بالمباشره باشد یا غیرمستقیم و بالتسبیب که هر دو موجب ضمانت است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۵۲).

۳-۲. قواعد پشتیبان امنیت اقتصادی افراد

در این قسمت، قاعده‌های فقهی را مورد بررسی قرار می‌دهیم که به وجه ایجابی امنیت انسانی در بُعد اقتصادی‌اش پرداخته و بر سلطه و اختیار آزاد انسان بر امور اقتصادی‌اش تأکید کرده و آن را به رسمیت می‌شناسد. مهم‌ترین این قواعد عبارتند از:

۱. منظور از ضمان قهری این است که مسئولیت انجام امری و یا جبران زبانی که کسی در اثر عمل خود به دیگری وارد آورده بر عهده خود او نهاده شود (امامی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۶۱).

الف) قاعده سلطنت

مستفاد از «قاعده تسلیط» یا «قاعده سلطنت» عبارت است از این که هر مالکی نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن هر تصرفی، اعم از مادی و حقوقی انجام دهد و هیچ‌کس نمی‌تواند او را بدون مجوز شرعی از تصرفاتش منع کند. به دیگر سخن، اصل بر این است که هر نوع تصرفی برای مالک مجاز است، مگر آن‌که به موجب دلیل شرعی خلافش اثبات گردد (آشتیانی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۲۳۰؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۳۸۴ و ۴۱۲؛ منتظری، ۱۴۱۷ق، ص ۱۶۶).

قاعده مزبور از دو سویه اثباتی و سلبی برخوردار است. بُعد اثباتی‌اش این است که سلطنت مالک بر مالش حق اوست که به صورت مطلق بوده و هر تصرفی در مال را شامل می‌شود مگر آن‌که از سوی شارع منع صریحی وارد شده باشد (محقق داماد، همان، ج ۱، ص ۲۳۰). جنبه سلبی آن نیز عبارت از این است که تصرفات دیگران در اموال مالک بدون اجازه یا رضایت او ممنوع است؛ زیرا با «سلطنت» منافات دارد (همان، ج ۱، ص ۲۳۱).

از آن‌جا که فراگیری و دامنه «قاعده تسلیط» بسیار گسترده بوده و در مباحث فراوانی از ابواب فقهی مورد استناد قرار می‌گیرد، در ادامه برخی استنادات فقهی به این قاعده را در جهت روشن شدن گستره قاعده اشاره می‌کنیم:

۱. امام خمینی رحمته‌الله در مسئله «اسقاط خیارات» در مورد «قاعده تسلیط» به صورت کلی بیان می‌کند: «مع أن قاعدة السلطنة على الاموال و الحقوق و النفوس، من القواعد المحكمة العرفية، التي لا تمس كرامتها شبهة و لا إشكال، و هي معمول بها في جميع الممل و النحل، التزموا بشرع أم لا، فالاستدلال على السلطنة عليها بتلك القاعدة العقلية، صحيح لاریب فیه» (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۱۹۵).

۲. شیخ مفید رحمته‌الله در باب احتکار بر این باور است که حاکم اسلامی حق دارد احتکارکننده را وادارد تا مال احتکارشده را به قیمتی مشخص بفروشد. در مقابل، سید ابن حمزه صاحب الوسيلة و شهید ثانی معتقدند فقط در جایی که قیمت فروش از سوی احتکارکننده به اندازه‌ای بالا برده شده باشد که دیگر واداشتن او به فروش سودی نداشته باشد، خود حاکم حق قیمت‌گذاری کالای احتکار شده و

فروش آن را دارد. در برابر این دو دیدگاه، مشهور فقیهان متأخر با استناد به «قاعده سلطنت» نوشته‌اند که حاکم فقط حق دارد احتکارکننده را به فروش کالا مجبور کند و دیگر حق تسعیر و قیمت‌گذاری بر کالای او را ندارد؛ هرچند تعیین قیمت نیز بر عهده احتکارکننده گذاشته نمی‌شود؛ بلکه با توجه به بازار تعیین می‌گردد؛ چرا که اصل اولی، عدم سلطه حاکم و دستگاه‌های حکومتی بر مال دیگران است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۸، ص ۶۴ و ۶۵؛ نجفی، همان، ج ۲۲، ص ۴۷۷ و ۴۷۸). به دیگر سخن، امنیت اقتصادی مستلزم به رسمیت شناختن مالکیت فرد بر اموالش است و به دنبال آن، سازوکارهای حفظ مالکیت مالکان مطرح می‌شود که این، از مسائل امنیت اقتصادی است.

۳. مورد سومی که به این قاعده تمسک شده، در باب مزارعه و اجاره است که گرفتن شریک و یا انتقال از سوی کشاورز و عامل در مزارعه و نیز اجاره دادن مورد اجاره (عین مستأجره) به وسیله مستأجر جایز است؛ چرا که این دو نفر مالک منفعت هستند و بر اساس «قاعده تسلط» حق تصرف مالکانه در عین را دارند. (نجفی، همان، ج ۲۷، ص ۴۱)

۴. آیت‌الله مکارم شیرازی در بررسی مسئله ولایت فقیه، ذیل بحث «ولایت بر اموال و انفس»، به سه دسته روایات اشاره می‌کند که از آن‌ها استفاده می‌شود: «تمام زمین از آن امام است»؛ ایشان این سه دسته روایات را در برابر سایر عمومات مثل «الناس مسلطون علی اموالهم» و هم‌چنین جواز وقف، وصیت، بخشش، فروش، آزادکردن عبد و ... قرار داده و در نهایت، احترام مالکیت فردی را اثبات می‌کند؛ از این رو، ایشان آن سه دسته روایت را بر «مالکیت حقیقی و معنوی» حمل می‌کند که هیچ ضرری به «مالکیت اعتباری» وارد نمی‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق، ۵۵۶ - ۵۶۰).

بنابراین، «قاعده سلطنت» از قواعد تحقق‌بخش «حفظ مال» محسوب می‌شود و با توجه به گستره مصادیق مال در عصر حاضر، از جمله مالکیت فکری و معنوی در تألیفات و اختراعات و فضای مجازی، برخی فقها با استناد به این قاعده به جواز سلطه مالکان بر تولیدات فکری و معنوی مانند کتاب‌ها، لوح‌های

فشرده بازی و نرم افزارها حکم کرده‌اند (مطهری، ۱۳۷۹ش، ج ۲۰، ص ۴۸۷؛ سند بحرانی، ۱۴۲۸ق، ص ۴۸۱).

ب) قاعده اعراض

مفاد این قاعده، رفع ید مالک از ملک خود و صرف نظر کردن از آن (موسوی خوئی، همان، ص ۹۹۰) یا سلب مالکیت از خود بدون نقل آن به دیگری است (شیری زنجانی، همان، ج ۱، ص ۴۶). در تعریفی دیگر، اعراض عبارت است از این که انسان عینی از اموالش را به نیت روی گرداندن از آن ترک کند که در این صورت آن عین مانند سایر مباحات خواهد بود (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۳۰۶ و ۳۰۷). بر اساس این قاعده نیز چنانچه کسی بر مالی که مالکش از آن اعراض کرده باشد، دست پیدا کند و آن را به تصرف خود درآورد، مالک آن مال خواهد بود و دیگران حق تعرض به او را نخواهند داشت.

ج) قاعده اقدام

مستفاد از قاعده اقدام این است که هر کس به ضرر خود نسبت به مالش اقدامی کند، کسی به نفع وی ضمان قهری یا مسئولیت مدنی ندارد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۹۲).

هم چنین در هر موردی که مکلف با علم و قصد، کاری انجام دهد که به سبب آن از سوی دیگران به وی ضرر و زیانی وارد شود، ضررزننده و عامل ورود زیان به آن شخص در برابر خسارت وارد شده مسئول نخواهد بود (محقق داماد، همان، ج ۱، ص ۲۲۱). به گفته برخی فقیهان صاحب مال وقتی احترام مالش را ساقط کند و در مقابل آن، درخواست عوض نداشته باشد، از بین بردن چنین مالی ضمان آور نخواهد بود (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۸۸).

نتیجه آن که در این گروه از قواعد، سخن در این نیست که امنیت اقتصادی با چه چیزی مورد «تهدید» واقع می شود، بلکه جان مطلب در قواعد «تأمین کننده» امنیت اقتصادی است. گسترده ترین و مهمترین قاعده در این باره به گمان نویسنده، «قاعده سلطنت» است و دیگر قواعد فقهی مانند «قاعده اسقاط» و

«قاعده اِعراض» بازگو کننده این قاعده هستند؛ تمامی این قواعد به دنبال آن هستند که با تقویت آزادی و اختیار در عرصه اقتصادی، امنیت اقتصادی افراد را تحقق بخشند. از این رو، معلوم می‌گردد در فقه امامیه نگاه داشتن و صیانت از مال و کار مسلمان ضروری است. مزد کاری که انجام می‌دهد باید به وی پرداخته شود و به هیچ بهانه‌ای نبایستی پایمال گردد. هیچ خسارتی - اعم از مالی و غیر مالی - نباید بر مسلمان تحمیل گردد. تصمیمات اقتصادی که می‌گیرد بایسته انجام و محکم است به گونه‌ای که اراده طرف مقابل در استحکام عقدهای صورت گرفته وی رخنه‌ای ایجاد نمی‌کند. هر کالایی که در دست اوست و بر آن سلطه دارد، مال او محسوب شده و دارای احترام است. هرکس بدون رضایت مالک بر مالش دست یازد باید از عهده خسارت برآید و....

در کنار قواعد فوق، قواعدی نیز وجود دارد که از سطحی بالاتر، امنیت و آزادی اقتصادی افراد مدنظر داشته و در پاره‌ای موارد این آزادی را محدود می‌کند که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

۳-۳. قواعد محدودکننده آزادی اقتصادی افراد

الف) قاعده حرمت اسراف

این قاعده دلالت می‌کند که اختیار و آزادی اقتصادی انسان و به دیگر سخن، سلطنت شخص بر اموال خود محدود است. در اسلام، با این که مالکیت خصوصی مشروع شناخته شده است اما مالک اختیار تام ندارد و نمی‌تواند اموالش را در غیر مصالح خود و یا اجتماع، به مصرف برساند و یا آن را از بین ببرد (حسینی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۲۹).^۱

۱. نویسنده در ادامه مطلب و در بیان ابعاد حرمت اسراف چنین بیان می‌دارد: «[حتی] اگر انسان، قادر به خلق ماده با کار بود، مالکیت او مطلق می‌شد ولی در آن صورت هم، حق تزیین و اسراف نداشت؛ زیرا خودش محصول اجتماع است. او واجب‌الوجود بالذات نیست، بلکه فردی قائم به اجتماع است و اجتماع در نیروهای علمی، فکری و بدنی او دخیل و صاحب حق است؛ اما حق بخشش، وقف، صلح، ابراء و خدمت رایگان، تا زمانی که به اجتماع صدمه نزنند و حق وصیت و توریث - اگر بتوان آن را حق مورث دانست؛ چون ارث حق نیست ولی وصیت حق است - از او سلب نمی‌شود».

البته در عبارات فقها، به ویژه فقهای متقدم، مسئله حرمت اسراف به صورت جامع و مستقل بیان نگردیده و فقط برخی از مصادیق آن، نظیر: «اسراف در آب وضو»، «حرمت یا عدم حرمت زینت مسجد»، «وجوب یا عدم وجوب آبیاری درختان و زراعت»^۱ و ... مورد بررسی قرار گرفته است (رحمانی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۸۲). گویا مرحوم نراقی در کتاب *عوائد الایام* اولین فقیهی است که مسئله «حرمت اسراف» را به روشنی و به صورت قاعده‌ای عام بیان کرده است. به باور ایشان، «اسراف»، عبارت است از: «مصرف غیرعقلایی مال» (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۶۳۵).

بر اساس این قاعده، مالک کالا از این اختیار و حق برخوردار نیست که هر آنچه «قاعده تسلیط» و دیگر قواعد تابع قاعده تسلیط را برای او پذیرفته‌اند به کار گرفته و اجرایی کند. بنابراین، به عنوان نمونه، هرچند ساقط کردن حق و یا رویگرداندن از مال مشمول حکم تکلیفی جواز هستند، چه بسا در جایی که این مسئله - اسقاط و یا اعراض - از مصادیق اسراف باشد، متعلق و مشمول حکم حرمت می‌شود.

ب) قاعده نفی سبیل

این قاعده نیز از قواعدی است که اختیار و آزادی افراد در مسائل اقتصادی را محدود می‌کند. مفاد این قاعده عبارت است از این‌که هر کاری که باعث شود

۱. توضیح آن‌که اگر کسی مالک زراعت یا درخت و مانند آنها باشد که به آبیاری و رسیدگی‌های دیگر نیاز دارند، در وجوب این هزینه‌ها دو قول وجود دارد: ۱. علامه در جلد سوم قواعد صفحه ۱۱۸ می‌نویسد: «ترک آبیاری مکروه است؛ زیرا تضييع مال است، ولی در عین حال بر آبیاری اجبار نمی‌شود؛ زیرا آبیاری کردن گیاهان، زیاد کردن مال است و همان طور که بر انسان تملک مال واجب نیست زیاد کردن آن هم واجب نیست». شهید در مسالک نیز آورده است: «اشهر اقوال عدم وجوب سقی و حرث است». ۲. فاضل اصفهانی در جلد ۷ کشف اللثام، صفحه ۶۱۳ در شرح عبارت قواعد، به علامه اشکال کرده می‌نویسد: «سقی و حرث گیاهان ابقای ملک و صیانت آن از تباهی است و ابقا و صیانت واجب است اگرچه می‌توان گفت که اگر به گیاهان رسیدگی نکرد، حاکم شرع او را اجبار نخواهد کرد؛ ولی در عین حال چون به گیاهان رسیدگی نمی‌کند و آنها را تباه می‌کند، با این عمل خود داخل در انسان‌های سفیه شده و جزء انسان‌های محجور می‌شود». هم‌چنین علامه حلی در جلد چهارم تحریر الأحکام صفحه ۴۶ می‌گوید: «گیاهانی که با رسیدگی نکردن تلف می‌شوند، حاکم شرع می‌تواند مالک آن‌ها را بر رسیدگی الزام نماید؛ زیرا رسیدگی نکردن تباه ساختن مال است و نباید او را بر این کار تأیید و امضا نمود» (شفیعی، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

دشمنان دین و یا غیرمسلمانان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمانان پیدا کنند، حرام است (رحمانی، ۱۴۲۴ق، ص ۱۶۷). بنابراین، هیچ کس با این بهانه و دستاویز که از آزادی اقتصادی برخوردار است و در اسلام از سلطه و مالکیت افراد حمایت شده، نمی تواند «امنیت اقتصادی جامعه مسلمین» را نادیده بگیرد و برخلاف مصلحت مسلمانان و جامعه اقدام و تجارت کند.

ج) قاعده حفظ نظام

این قاعده نیز می تواند یکی از محدودیت های آزادی اقتصادی افراد تلقی و امنیت اقتصادی آنان را مقید به دیگر ابعاد و سطوح امنیت نماید. از این قاعده که در کتاب های فقهی با عنوان «قاعده اختلال» نیز ذکر شده، استفاده می شود: «هر عملی باعث اختلال زندگی انسان ها و سستی معاش آنها شود، ممنوع است و هر عملی که موجب حفظ این نظام شود واجب است» (سیفی مازندرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳).

درباره ارتباط «قاعده حفظ نظام» با مسئله امنیت انسانی در بُعد اقتصادی می توان گفت که این قاعده از دو جهت در امنیت اقتصادی افراد می تواند تأثیرگذار باشد؛ جهت اول این که قاعده مزبور تسلط و تصرف «مطلق» افراد بر اموالشان را منع کرده است، تنها برخی از مصادیق و نمودهای سلطنت و تسلط مالک بر اموالش را مجاز می شمارد؛ جهت دوم نیز این است که «قاعده حفظ نظام» توان اجبار افراد به کاری برخلاف میل و رضایت قلبی شان را دارد؛ به عنوان نمونه، اگر زندگی روزمره و عادی افراد در یک جامعه اسلامی بر تداوم و بقای پاره ای شغلها متوقف باشد و در یک دوره زمانی متصدی این شغلها وجود نداشته باشد - مانند آن که پزشک یا نانوايي نباشد - به صورت وجوب کفایي بر همگان واجب است که آن شغلها را انتخاب کرده تا نظم اجتماعی جامعه استوار ماند.^۱

۱. به عنوان نمونه، مرحوم آیت الله خوئی در مبانی تکملة المنهاج در خصوص قضاوت می نویسد: «القضاء واجب کفائی و ذلک لتوقف حفظ النظام المادى و المعنوى عليه، و لافرق فى ذلک بين القاضى المنصوب، و قاضى التحکيم» (۱۴۲۲ق. ج ۴۱، ص ۶). شهید ثانی نیز در شرح لمعه بیان می کند: «و مطلق التجارة التى يتم بها نظام نوع الإنسان فإن ذلك من الواجبات الكفائية» (۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۲۰ و ۲۲۱).

د) قاعده عدالت^۱

راجع به «عدالت» به صورت مستقل در دو جای فقه بحث و گفتگو شده است؛ یکی در بحث از صفات مجتهد، قاضی، امام جماعت، شهود و گواهان که عدالت به عنوان یکی از صفات این افراد ذکر شده تا جایی که رساله‌های مستقل و متعددی نیز در این باره به نگارش درآمده است. دومین مورد، به طور عمده در بحث از اموالی که با یکدیگر مخلوط شده و جداسازی آن‌ها از هم ممکن و مقدور نیست، به صورت قاعده و با تعبیر «قاعدة العدل و الانصاف» آمده است (نجفی، همان، ج ۴۱، ص ۱۱۵).^۲

البته در این بین، اندیشمندانی چون خواجه نصیر طوسی و شهید مطهری از «عدالت» به عنوان یک قاعده در عرصه روابط اجتماعی بحث کرده‌اند. از نظرگاه خواجه نصیرالدین طوسی، «عدالت» همسان با «قلب» اقتصاد است که دیگر مسائل اقتصادی «اندام» و اعضای فرعی آن به شمار می‌رود. (طوسی، ۱۳۹۱ش، ص ۲۵۸ و ۲۵۹) استاد شهید مطهری نیز نگرانی خود از فروگذاری فقها و اندیشمندان راجع به عدالت را ابراز کرده، بیان می‌کند: «اصل عدالت اجتماعی با همه اهمیت آن در فقه ما مورد غفلت واقع شده است. از برخی آیات قرآن کریم، نظیر: ﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ (بقره: ۸۳؛ نساء: ۳۶؛ انعام: ۱۵۱) و ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ (مائده: ۱) عموماً در فقه به دست آمده است، ولی با این همه تأکیدی که قرآن کریم بر روی مسئله عدالت اجتماعی دارد، معهذاً یک قاعده و اصل عام در فقه از آن استنباط نشده است و این مطلب سبب رکود تفکر اجتماعی فقهای ما گردیده است» (مطهری، ۱۳۷۳ش، ص ۲۷).

نتیجه آن‌که دربارهٔ حفظ مال دو رویکرد به ظاهر متفاوت، اما مکمل یکدیگر قابل شناسایی است. حفظ مال، از یکسو فقط ابزار و وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف والای «انسانی» است و «از وسیله جز کارآیی بهتر در راه رسیدن به هدف

۱. به این قاعده در اقتصاد امروز Principle Of Fair Business می‌گویند.

۲. برخی، این قاعده را در این معنا این‌گونه تعریف کرده‌اند: «قاعدة العدل و الانصاف تعنی تقسیم الحق المختلف علیه بین الطرفين، و هی قاعدة شرعية مستفادة من نصوص بعض الروایات الواردة، و يلتزم بها بعض الفقهاء بینما ینکر صحتها فقهاء آخرون» (حسینی روحانی، ۱۳۸۶ق، ج ۳، ص ۲۳۱).

نمی‌توان انتظار داشت» و از دیگر سو، هم‌پایه با حفظ نفس محسوب شده و «من قتل دون ماله فهو شهید» و «حرمة مال امرء مسلم كحرمة دمه» بیان گردیده است. این دو رویکرد، با نگاهی کرامت‌گرایانه به حفظ مال، قابل جمع است؛ کرامت انسانی اقتضا می‌کند که انسان خود را اسیر مادیات و خدمتگذار دنیا و ثروت اندوزی نگرداند و در موارد مخالف با کرامت و حیثیت، کنار گذاشته شود.

نتیجه

از مجموع مطالب پیشین، نتایج زیر قابل استنتاج است:

۱. امنیت اقتصادی افراد به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد هفت‌گانه امنیت انسانی، از دو عنصر اساسی «امنیت سرمایه‌گذاری» و «امنیت اشتغال و درآمد» تشکیل یافته است.

۲. بُعد اقتصادی امنیت انسانی، از دو وجه سلبی و ایجابی برخوردار است؛ جنبه سلبی آن به مصونیت افراد از تجاوز و دست‌اندازی به حقوق اقتصادی مشروع افراد انسانی می‌پردازد و جنبه ایجابی‌اش نیز عبارت است از ایجاد بسترهای لازم به منظور فراهم‌سازی و تحقق آزادانه اهداف یا خواسته‌های اقتصادی تک‌تک افراد حق‌های بشری.

۳. اسلام برای امنیت اقتصادی افراد اهمیت فراوانی قائل است و از این رو، قواعد متنوع و نسبتاً گسترده‌ای به جهت محافظت و صیانت از حقوق اقتصادی افراد در شریعت وضع شده است.

۴. پاره‌ای از قاعده‌های فقهی به وجه سلبی امنیت انسانی در بُعد اقتصادی اشاره دارند و شامل دو دسته قواعد هستند. دسته اول، قواعدی که حرمت و ممنوعیت مطلق دست‌اندازی به حقوق اقتصادی افراد را دلالت دارند و دسته دوم، قاعده‌هایی را که جبران خسارت در جایی که حقوق اقتصادی افراد از بین برود واجب می‌کنند.

۵. برخی دیگر از قاعده‌های فقهی بر وجه ایجابی امنیت متمرکزند، این دسته قواعد به منظور تبیین و استقرار و به عنوان پشتیبان امنیت اقتصادی افراد تأسیس شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از قاعده سلطنت، قاعده اعراض و قاعده اقدام.

۶. برخی قواعد ثانوی، عام و فرا موضوعی هستند که در ارتباط بین حوزه مسائل اقتصادی با دیگر ابعاد زندگی انسان‌ها، راه‌گشا و بیانگر نگاه جامع فقه به ابعاد زندگی بشر است. قواعدی چون حفظ نظام، نفی سبیل و حرمت اسراف و عدالت، در راستای محدود کردن قاعده سلطنت و آزادی اقتصادی انسان‌ها وضع شده‌اند، اما از دیگر سو، به تقویت قاعده احترام انجامیده و مرجع امنیت اقتصادی افراد که احترام به کار و مال افراد است توسعه می‌بخشد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن فارس، زکریا (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- آشتیانی، محمدحسن (۱۴۲۹ق). بحر الفوائد فی شرح الفرائد، بیروت: موسسه التاريخ العربی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹ش). «امنیت در حال گذار (تحول معنای امنیت در قرن بیست و یکم)». فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۴.
- امامی، سیدحسن (بی تا). حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامی.
- ایروانی، باقر (۱۴۲۶ق). دروس تمهیدیة فی القواعد الفقہیة، قم: دار الفقه للطباعة و النشر.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- برومند، شهزاد و همکاران (۱۳۸۷ش). امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی)، تهران: مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
- بوزان، باری (۱۳۸۷ش). مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیلیم، جان؛ اسمیت، استیو (۱۳۹۷ش). جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها، فرآیندها)، مترجم: ابوالقاسم راه‌چمنی. تهران: ابرار معاصر تهران.
- تیگرش‌تروم، باربارا فن (۱۳۸۹ش). امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل، مترجم: اردشیر امیر ارجمند و حمید قنبری، تهران: انتشارات مجد.
- جعفری، محمدتقی (۱۴۱۹ق). رسائل فقهی، تهران: مؤسسه منشورات کرامت.
- جهانیان، ناصر (۱۳۸۱ش). امنیت اقتصادی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- حسینی روحانی، سیدمحمدصادق (۱۳۸۶ش). منهاج الصالحین، قم: اجتهاد.
- حسینی مراغی، سید میرعبدالفتاح (۱۴۱۷ق). العناوین الفقہیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حسینی، سید امرالله (۱۳۸۶ش). «اصول نظریه حقوق فطری در اندیشه استاد مطهری (هماهنگی طبیعت و شریعت، مبنای حقوق متقابل انسان و طبیعت)»، مجله فقه اهل بیت علیهم‌السلام، شماره ۵۲.
- حلّی، علامه (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام، چاپ اول.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم: موسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.

- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*. لبنان: دارالعلم.
- رحمانی، محمد (۱۳۷۶ش). «قاعده اتلاف»، *مجله فقه اهل بیت*، ش ۱۱-۱۲.
- _____ (۱۳۸۱ش). «نگاه فقهی ملا احمد نراقی به اسراف»، *مجله فقه اهل بیت*، ش ۲۹.
- رحمانی، محمد (۱۴۲۴ق). «قاعده نفی السبیل منهج فی الاستقلال و مقاومة الهيمنة»، *مجله فقه اهل بیت*، العدد ۳۲.
- سند بحرانی، محمد (۱۴۲۸ق). *فقه المصارف و النقود*، مقرر: مصطفی اسکندری، قم: مجبین.
- سیف، الله مراد (۱۳۸۹ش). «مفهوم شناسی امنیت اقتصادی»، *فصلنامه آفاق امنیت*، ش ۹.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۱۵ق). *دلیل تحریر الوسيلة؛ الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق). *کتاب نکاح*، قم: موسسه پژوهشی رای پرداز.
- شریعتی، روح الله (۱۳۹۴ش). *قواعد فقه سیاسی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شفیع، محمدحسن (۱۳۸۲ش). «موضوع احترام در فقه»، *مجله فقه اهل بیت*، ش ۳۳.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق). *کتاب من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۴ق). *تکملة العروة الوثقی*، قم: کتاب فروشی داوری.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الاحکام*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طوسی، نصیرالدین محمد (۱۳۹۱ش). *اخلاق ناصری*، تهران: انتشارات آگاه.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، (بی تا). *القواعد و الفوائد*، قم: کتابفروشی مفید.
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، (۱۴۱۰). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم: کتابفروشی داوری.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۷ش). *دوره حقوق مدنی: عقود معین*، تهران: گنج دانش.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷ش). *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق). *قواعد فقه*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مرعشی شوشتری، سید محمدحسن (۱۳۷۶ش). *دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام*. تهران: میزان.
- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱ق). *مائة قاعدة فقهیة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳ش). *بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۷۹ش). *مجموعه آثار، بخش فقه و حقوق*، تهران: صدرا.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ق). *فقه الامام الصادق*، قم: موسسه انصاریان.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۲ق). *بحوث فقهیه همامة*، قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ملک‌افضلی اردکانی، محسن (۱۳۸۹ش). «آثار قاعده حفظ نظام». فصلنامه حکومت اسلامی، ش ۴.
- منتظری، حسین علی (۱۴۱۷ق). *نظام الحکم فی الاسلام*، قم: نشر سرایی.
- موسوی بجنوردی، سیدحسن (۱۴۱۹ق). *القواعد الفقهیه*، قم: نشر الهادی.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۷۹ش)، *قواعد فقهیه*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، موسسه چاپ و نشر عروج.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (بی تا). *تحریر الوسیلة*، قم: موسسه مطبوعات دارالعلم، چاپ اول.
- _____ (۱۴۲۱ق). *کتاب البیع*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- موسوی خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۱ق). *فقه الشیعة*، مقرر سیدمحمد مهدی موسوی خلخالی، قم: چاپخانه نوظهور.
- _____ (۱۴۲۲ق). *مبانی تکملة المنهاج*، موسوعة الامام الخوئی، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی علیه السلام.
- مؤمنی، فرشاد و جهانیان، ناصر (۱۳۸۰ش). «امنیت اقتصادی و چالش‌های اقتصاد ایران»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۲.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ق). *عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۱۹ق). *بایسته‌های فقه جزا*، تهران: نشر میزان - نشر دادگستر.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود و جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶ق). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*، قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- ICRC; <https://www.icrc.org/en/what-we-do/ensuring-economic-security>; Available at: 2018/12/06